

نقش ائمه اطهار علیهم السلام

در حفظ قول و سیره نبوی

طیبه اسدی

قسمت دوم

چکیده

هدف نگارنده در این قسمت بررسی میزان انطباق سیره و سنت ائمه اطهار ﷺ با سیره نبوی است. واضح است که حفظ سیره نبوی توسط امامان معصوم ﷺ فقط با التزام عملی به سیره آن حضرت امکان پذیر است. مقاله حاضر در ارتباط با درس هشتم کتاب دین و زندگی ۲ است. امید آنکه مورد استفاده همکاران گروه معارف قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: عارف به سنت، منهج نبوی، پیروی از سنت، طرد بدعت

استثنان و تبعیت از سیره نبوی

گفته شد که قول و سیره پیامبر ﷺ حیثیت دارد و از اقدامات مهم امامان معصوم ﷺ حفظ قول و سیره پیامبر اسلام است و این امر با توجه به پشتونه علمی امامان معصوم ﷺ امکان پذیر است. در این قسمت به ذکر نمونه‌هایی از سیره امامان معصوم ﷺ (امام اول تا امام نهم) در راستای حفظ سیره نبوی می‌پردازیم.

۱. التزام به سیره نبوی در حیات فکری، عقیدتی، اجتماعی و سیاسی



**ابن عوف شرط
کرده بود که
اگر امام پیذیرد
که به سیره
شیخین عمل
کند حاضر است
خلافت را به او
واگذار نماید و
امام در جواب
فرمود: «من تنها
به سنت رسول
خدا و اجتهاد
خود عمل
می‌کنم.»**

خدا و رسول خدا را پیذیرد و به قبله نماز گزارد از تمامی حقوق بهره می‌برد و حدود اسلام در مورد او اجرا می‌شود و چون همه بندگان خدا هستند و مال نیز مال خداست به تساوی تقسیم خواهد شد و لذا مخالفت نخبگان امت شروع شد. از جمله زبیر نزد امام آمد و به امام علی گفت: «تو در کارها با ما مشورت نمی‌کنی و اشکال عمده تو آن است که مخالف با روش عمر هستی و سهم ما را مانند سهم دیگران که برای اسلام زحمت نکشیده‌اند قرار می‌دهی. امام فرمودند: وقتی حکمی در کتاب خدا آمده جای مشورت نیست البته اگر چیزی در کتاب خدا نیامده باشد با شما مشورت می‌کنم و در مورد تقسیم بیت‌المال باید بگوییم که رسول خدا نیز این‌گونه عمل می‌کرد و کتاب خدا نیز این‌گونه دستور می‌دهد.» (همان: ۶۷)

امام در مورد کسانی که به روش ایشان اعتراض داشتند و به سنت عمر استناد می‌کردند می‌فرمود: «أَفَسْنَةُ رَسُولِ اللَّهِ أُولَىٰ بِالِاتِّبَاعِ أَمْ بُسْنَةُ عُمَرٍ؟» آیا سنت رسول خدا برای پیروی سزاوارتر است یا سنت عمر؟» (همان: ۶۸) امام میان اسرار آزاد شده (موالی)، که از نژادهای مختلف عرب، بربر، ایرانی، رومی بودند و شان آنان از طبقه اعراب پایین‌تر بودند، و سایر افراد جامعه کوچک‌ترین تفاوتی قائل نمی‌شدند. اگرچه خلیفه دوم دستور داده بود که بردگان نژاد عرب با بودجه بیت‌المال آزاد شوند. (همان: ۶۹)

از جمله مشکلات در سر راه امام انحرافات و تحریفات به وجود آمده بود که امام با آن‌ها درگیر می‌شد. یکی از مسائل پیش‌آمده آن بود که کسانی از صحابه و برخی از خلفاً با وجود قرآن و سنت، براساس مصلحت‌گرایی احکامی را مطرح می‌کردند و نسبت به سنت نبوی بی‌اعتنتا بودند. (همان: ۷۱)

به باور خلیفه دوم و سوم آنان حق داشتند در برخی امور خود تشريع ویژه داشته باشند و سنت را کنار بگذارند. مثلاً خواندن نماز کامل در سرزمین منی که توسط عثمان و برخلاف سنت خدا پایه‌ریزی شده بود و به مرور مسلمانان، افعال و اعمال خلفاً را به صورت سنت شرعی می‌پذیرفتند. در یکی از سال‌ها عثمان در منی نمازش را کامل می‌خواند مریض شد. او از امام علی خواست تا به جای او نماز گزارد. امام

امام علی جلوه خاصی دارد. پس از رحلت رسول اکرم ﷺ، امام علی در فرصت‌های متعدد، جهت احراق حق خود یعنی به دست گرفتن منصب حکومت تلاش کردند. ایشان در جواب کسانی که حضرت را به حریص بودن بر حکومت متهم می‌کردند می‌فرمود: «یا مَعْشَرْ قُرْيَشٍ! إِنَّا أَهْلَ الْتِبْيَتَ أَحَقُّ بِهِدَا الْأَمْرِ مَنْكُمْ أَمَا كَانَ فِينَا مَنْ يَقْرَأُ الْقُرْآنَ وَيَعْرِفُ السُّنَّةَ وَيَدِينُ بِدِينِنَا! إِنَّمَا يَقْرَأُ الْقُرْآنَ وَيَعْرِفُ السُّنَّةَ وَيَدِينُ بِدِينِنَا! قَرِيشِيَانُ! مَا أَهْلَبَتْ بِهِ اِيَّنَ اِمْرٍ سَزاوارتر هستیم. آیا در میان ما، قاری قرآن و عارف به سنت و متدين به دین حق نیست؟» (حيات فکری امامان شیعه: ۵۸)

در زمان تشكیل شورای خلافت، امام حاضر به پذیرش شرط عبدالرحمن بن عوف نشد. این عوف شرط کرده بود که اگر امام پیذیرد که به سیره شیخین عمل کند حاضر است خلافت را به او واگذار نماید و امام در جواب فرمود: «من تنها سنت رسول خدا و اجتهاد خود عمل می‌کنم.» (همان: ۵۹)

از دشواری‌های حکومت امام علی در زمانی که عهده‌دار خلافت شد، رعایت عدالت اقتصادی بود. خلیفه اول دیوان را براساس سوابق اسلامی افراد و ترکیب قبایل قرار داده بود و کسانی که از صحابه بوده و زودتر اسلام آورده بودند، سهم بیشتری از بیت‌المال دریافت می‌کردند و این وضعیت تا زمان عثمان ادامه داشت. این اموال عمومی شامل خمس غنائم، خراج و جزیه‌ای بود که از سرزمین‌های مفتوحه و به صورت سرانه گرفته می‌شد و متعلق به تمام مسلمانان بود اما در سیستم اقتصادی حکومت خلفای سابق، بهره‌مندی از این اموال طبقاتی شده بود. امام علی بیت‌المال را بالسویه تقسیم می‌کرد و می‌فرمودند که رسول خدا این چنین عمل می‌کردد.

امام در نخستین سخنرانی خود سیاست مالی خویش را اعلام کردند و فرمودند: «إِنَّى حَامِلُكُمْ عَلَىٰ مُنْهَجٍ نَّبِيِّكُمْ؛ مَنْ بِهِ رُوشُ نَبِيٍّ وَ پَيَامِبَرٍ تَنَعَّمْ مَنْ مِنْكُمْ». (همان: ۶۶) امام علی تأکید داشتند انصار و مهاجرین، که در نگاه خلفاً از سایرین برتر شمرده می‌شدند، امتیازشان یک امتیاز معنوی است و سابقه جهاد در اسلام و ... آنان دارای پاداش نزد خداوند است. اما هر کس که در دنیا دعوت

امام در نخستین سخنرانی خود سیاست مالی خویش را اعلام کردند و فرمودند: «إِنِّي حَامِلُكُمْ عَلَى مَنْهَاجِ نَبِيِّكُمْ؛ مِنْ بَهْرَوْشِ نَبِيٍّ وَ پِيَامِبرَتَانِ عَمَلٍ مِّيْكَنِمْ.»

فرمود من همانند پیامبر نماز می خوانم و عثمان تأکید کرد همان طور که من نماز می خوانم (کامل) بخوان و امام درخواست او را رد کرد.» (همان: ۷۲)

خلیفه دوم به هنگام مرگ جمله‌ای گفت مبنی بر اینکه «جانشین تعیین نکردن سنت (پیامبر) و جانشین تعیین کردن سنت (ابوبکر) است.» (همان: ۷۲)

از نظر خلیفه دوم پیامبر برای خود جانشین تعیین نکرده و سنت او این چنین بوده اما ابوبکر برای خود جانشین تعیین کرده است و همان‌طور که سنت پیامبر ملاک است سنت ابوبکر هم ملاک و دستور العمل است.

امام علی عليه السلام درباره سنت رسول خدا فرمودند: «يا كنـت لـأـذـسـتـةـ رسـولـ اللهـ لـاحـدـ منـ النـاسـ: منـ بـرـايـ اـحـدىـ سـنـتـ رسـولـ خـداـ رـاـ رـهـ نـكـرـدـ.» (همان: ۷۱)

از سخنان آن حضرت است هنگامی که مردم از عثمان نزد حضرت شکایت برداشت و حضرت ضمن نصیحت به عثمان فرمودند: «فَاعْلَمْ أَنَّ أَصْلَحَ عَبَادَ اللَّهِ عِنْدَ اللَّهِ إِمَامٌ غَادِلٌ هُدِيٌّ وَ هَدَىٰ فَاقَامَ سُنَّةً مَعْلُومَةً وَ أَمَاتَ بَدْعَةً مَجْهُولةً وَ إِنَّ السُّنَّةَ لِتَبِرُّهُ، لَهَا أَعْلَامٌ وَ إِنَّ الْبَدْعَةَ لَظَاهِرَةٌ لَهَا أَعْلَامٌ وَ إِنَّ شَرَّ النَّاسِ عِنْدَ اللَّهِ إِمَامٌ جَائِرٌ ضَلَّ وَ ضُلَّ إِلَيْهِ، فَأَمَاتَ سُنَّةً مَأْخُوذَةً» (نهج البلاغه، خ ۱۵۳: ۱۹۲) (نهج البلاغه، خ ۱۵۳: ۱۹۲).

در این بخش از سخن حضرت که ذکر شد ویژگی امام و رهبر جامعه، اقامه سنت و از بین بردن بدعت مطرح شده و اینکه رهبران ستمکار در از بین رفتن سنت تلاش می کنند.

امام علی عليه السلام به شدت با بدعت و دور شدن از سنت مبارزه کرده‌اند و می فرمایند: «وَ مَا أَحْدَثْتُ بَدْعَةً إِلَّا تُرَكَ بِهَا سُنَّةً فَاتَّقُوا الْبَدْعَةَ وَ الرُّمُمَا الْمَهَيَّعَ. إِنَّ عَوَارِمَ الْأُمُورِ أَفْلَهُمَا وَ إِنَّ مُحْدَثَاتِهَا شِرَارُهَا»

منابع

- نهج البلاغه، خ ۸۱: نشوم (حيات فكري امامان شيعه)
- جهران، رسول، حیات فکری امامان شیعه، قم، انصاریان (۱۳۸۶)